

دکتر آگوست کانکل، تواریخ، جلسه ۱۶، پادشاهی متخاصم

گاس کانکل و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر آگوست کانکل در تدریس خود در مورد کتاب‌های تواریخ است. این جلسه شماره ۱۶، پادشاهی پر از تضاد است.

تواریخ نویس، پادشاهی سلیمان را به عنوان پادشاهی صلح به ما معرفی کرده است.

او کسی است که آرمان حکومت خدا را نمایندگی می‌کند. و بنابراین، ارائه‌ی وقایع‌نگار برای این است که به ما بگوید این همان چیزی است که خدا آرزو دارد و می‌خواهد. واقعیت واقعی امور همیشه آن چیزی نیست که ما می‌خواهیم آرمان باشد.

در واقع، اغلب اوقات آن چیزی نیست که ما می‌خواهیم ایده‌آل باشد. همانطور که خوانندگان وقایع‌نامه به خوبی می‌دانستند، و همانطور که ما از خواندن داستان سلیمان به خوبی می‌دانیم، سلطنت او با صلح به پایان نرسید. در واقع با درگیری‌های زیادی به پایان رسید و در نتیجه پادشاهی دچار تفرقه شد.

وقایع‌نگار هرگز صریحاً به تقسیم پادشاهی اشاره نمی‌کند، اگرچه واضح است که همه خوانندگان او باید از وقوع آن آگاه باشند تا بتوانند توضیحات او در مورد سلطنت‌هایی که در پی خواهند آمد را درک کنند. اما سلطنت‌هایی که بلافاصله پس از آن رخ دادند، درگیری‌هایی را که ایجاد شده بود، نشان می‌دهند. وقایع‌نگار همچنین از آنها استفاده می‌کند تا نشان دهد که چگونه فروتنی و جستجوی وجه خدا، رحمت او را حفظ می‌کند و شما را قادر می‌سازد تا رحمت او را تجربه کنید.

اما از این نقطه به بعد، پس از سلیمان، آنچه واقعاً داریم داستانی از پادشاهانی است که به نحوی با هم در جنگ بوده‌اند. و اگرچه وقایع‌نگار برخی از این پادشاهان را بسیار تأیید می‌کند، اما تقریباً همه آنها به نوعی شکست خورده‌اند و اغلب درگیری‌های بزرگی وجود دارد. و وقایع‌نگار روشن می‌کند که اسرائیل، در شمال اغلب با یهودا در جنوب در جنگ بوده است، دقیقاً همانطور که در کتاب پادشاهان داریم.

بنابراین، بخش بعدی ما در کتاب تواریخ، زمان از سلیمان تا زمان حزقیا است. این دوره زمانی شامل تبعید شمال توسط آشوریان است که تواریخ نویس قبلاً در اثر خود به آن اشاره کرده است، اما در اینجا صریحاً به آن اشاره نمی‌کند. و سپس همچنین در مورد چگونگی انحطاط اوضاع در یهودا صحبت می‌کند، تا زمانی که به زمان آحاز می‌رسیم، جایی که معبد به طور کامل تخریب می‌شود.

اما چیزی که اکنون می‌خواهیم بررسی کنیم، دو پادشاه اول پس از سلیمان است. وقایع‌نگار قرار است منحصراً بر پادشاهان یهودا تمرکز کند. البته یهودا به نوعی نماینده اورشلیم و نماینده پادشاهان اورشلیم بود.

بنابراین، وقایع‌نگار به اورشلیم به عنوان مکان معبدی که در آن خدا باید پرستش شود و جایی که پادشاهی او باید نمایندگی شود، علاقه‌مند است. و بنابراین، ما در اینجا، از فصل 10، به رسمیت شناختن تقسیم سلطنت و بازگشت یربعام را داریم. همانطور که اشاره کردیم، یربعام برای امنیت خود به مصر گریخته بود زیرا با سلیمان درگیر بود.

هیچ یک از این موارد توسط مورخ ذکر نشده است، اما مورخ به این واقعیت اشاره می‌کند که یربعام بازمی‌گردد و ما در اینجا شاهد معکوس کردن تأیید داوود توسط شمال هستیم. به یاد داشته باشید که مورخ به همراه تمام جنگجویان به داوود تقدیم شد و گفت، ای داوود، ما از آن تو هستیم و آینده ما در توست. خب، در اینجا، تمام آن قبایل شمالی برعکس این را می‌گویند.

تجربه آنها در زمان سلیمان سخت شده است و آنها می‌گویند، ما چه سهمی از داوود داریم؟ چه آینده‌ای در داوود داریم؟ چه آینده‌ای در اورشلیم داریم؟ بنابراین، شعار، به این معنا، معکوس شده است. ما قبلاً به کار اجباری اشاره کردیم و فرد مسئول آن کار اجباری، هدورام بود. بنابراین، رحبعام، در تلاش برای تثبیت حکومت خود به عنوان جانشین سلیمان، به شکیم رفته بود.

آن شهر مرکزی بزرگی بود تا قبایل شمالی او را تأیید کنند. اما همانطور که داستان را می‌دانیم، آنها از میزان مالیات، به ویژه از کار اجباری، بسیار ناراضی بودند. می‌دانید، من از مالیات زیاد شکایت دارم.

گاهی اوقات به من گفته شده که باید سپاسگزار باشم که می‌توانم مالیات پردازم، چون یعنی درآمدی دارم. همچنین به این معنی است که احتمالاً از این مالیات‌ها سودی هم می‌برم. و من متوجه شده‌ام که این حرف‌ها درست است.

اما به نظر می‌رسد مالیات‌ها با درآمد نامتناسب هستند، حداقل در مورد من. و به نظر نمی‌رسد که از مزایا به روشی که دوست دارم استفاده شود. اما این اصلاً شبیه چیزی نیست که این افراد تجربه می‌کردند، که در آن شما واقعاً کار خود و دنبال کردن امرار معاش خود را رها می‌کنید تا مستقیماً برای دولت در پروژه خاص خود کار کنید.

این یعنی مالیات ۱۰۰٪، چیزی که من تا به حال تجربه نکرده‌ام. و البته، ممکن است فقط برای بخشی از سال باشد، اما هنوز هم طاقت‌فرسا است، خیلی طاقت‌فرسا، حتی اگر سه ماه از ۱۲ ماه باشد، طاقت‌فرسا است. و بنابراین مقاومت زیادی در برابر این مالیات وجود داشت.

و وقتی رحبعام تصمیم گرفت که مالیات را ادامه دهد، در واقع، شاید مالیات را به آنچه سلیمان انجام داده بود افزایش دهد، یک شورش کامل رخ داد. و آدورام سنگسار شد. و البته، جنگ رخ می‌داد.

اما در اینجا وقایع‌نگار، پیامبری را به ما معرفی می‌کند که نامش شَمَعِیَا است. و این پیامبر، با ایراد سخنرانی خود، از جنگ با اسرائیل جلوگیری می‌کند، زیرا به آنها یادآوری می‌کند که آنها برادر هستند. بنابراین، با تقسیم اساسی پادشاهی در این برهه از زمان، رحبعام فقط در یهودا پادشاه است.

اما به عنوان پادشاه یهودا، وقایع‌نگار در مورد نحوه‌ی استحکام شهرها و چگونگی برخورداری از نعمت داشتن خاندانی بزرگ، حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. بنابراین، اگرچه رحبعام، همانطور که خواهیم دید، از یک جهت مسئول تقسیم پادشاهی است، اما وقایع‌نگار، یربعام را بیشتر از رحبعام مسئول این تقسیم می‌داند. ما این را به ویژه در سلطنت جانشین رحبعام، ابیا، می‌بینیم.

در اینجا می‌بینیم که دوباره جنگی در شرف وقوع بین اسرائیل و یهودا است. همانطور که از کتاب پادشاهان می‌دانیم، این نوعی ویژگی پس از تقسیم پادشاهی بین رحبعام و یربعام، پسر نباط، بود. اما در اینجا سخنرانی پادشاه را داریم.

این یکی از مهمترین سخنرانی‌ها در کتاب تواریخ، فصل ۱۳، آیات ۴ تا ۱۲ است. زیرا ابیا پادشاه، واقعاً گزینیه‌های ایده‌آل خدا و آنچه خدا می‌خواهد را مطرح می‌کند. بنابراین این نباید به رفاه سیاسی تقلیل یابد، بلکه باید به وعده‌ها و آنچه خدا برای پادشاهی خود می‌خواهد بازگردد.

و بنابراین، او می‌گوید که اراذل و اوباش عجول بر رحبعام بی‌تجربه پیروز شدند. حال، این متن در واقع به دو صورت خوانده شده است، زیرا کمی مبهم است. اراذل و اوباش عجول بر چه کسی پیروز شدند؟ آیا آنها بر رحبعام پیروز شدند یا بر یربعام؟ به نظر می‌رسد وقایع‌نگار می‌گوید آنچه واقعاً در اینجا اتفاق افتاده این بود که رحبعام بی‌تجربه بود.

او نمی‌داند که چگونه باید این مسئله مالیات را حل کند. نتیجه بی‌تجربگی او این تفرقه بود. یربعام مسئول این تفرقه است زیرا او از این موقعیت سوءاستفاده کرد تا خود را پادشاه شمال کند.

بنابراین، واقعاً فرصتی برای آشتی وجود داشت، اما یربعام، در جاه‌طلبی‌های سیاسی خود، قدرت خود را بر اسرائیل و قبایل شمال دنبال کرد. بنابراین، آنچه در آن زمان داریم، قضاوت یربعام است. ابیا، پادشاه جنوب، قادر است مرزهای شمالی خود را احیا کند.

و مرزهای شمالی، البته، معمولاً توسط بیت‌ئیل، آن منطقه در اطراف بیت‌ئیل، کمی در شمال و غرب اورشلیم، نشان داده می‌شوند. آن خط جداکننده بین دو پادشاهی را تشکیل می‌داد. ابیا آن مرزها را بازسازی کرد و یربعام در زمان داوری درگذشت.

و بنابراین ابیا به یکی از آن پادشاهانی تبدیل می‌شود که، به نظر وقایع‌نگار، نمونه است. او از نظر نحوه مداخله، نحوه جلوگیری از جنگ بین دو ملت و نحوه حفظ سلطنت یهودا و قلمرو یهودا نمونه است.

این دکتر آگوست کانکل در تدریس خود در مورد کتاب‌های وقایع‌نگار است. این جلسه شماره ۱۶، پادشاهی متخصص است.